

بسمه تعالی

عنوان واحد درسی: راهبردهای تدریس در آموزش زیست شناسی و فیزیک

دانشجوی گرامی: رویکردهای تدریس (Teaching Approaches)، راهبردهای تدریس Teaching Strategies و روش

های تدریس Teaching Methods سه واژه ی متفاوتی هستند که قبلا در کلاس در مورد آنها صحبت شده است. ممکن است صاحب نظران، کارشناسان، معلمان رویکردهای مختلفی را برای تدریس انتخاب نمایند. رویکردهای تدریس روی فعالیت هایی که به عنوان معلم انجام می گیرد، تاثیر قابل ملاحظه ای دارد. بیشتر، انتخاب یک نوع رویکرد برای تدریس توسط معلمان، تابع منطق برنامه درسی و نیز نگاه افراد به معنا و مفهوم یادگیری خواهد بود.

مطالب ارائه شده در این متن برگرفته از کتاب منبع (رویکردهای تدریس تالیف گری فنستر میچر) بر اساس تجربه سه معلم، سه نوع رویکرد «مدیریتی، تسهیل گر و آزاداندیشانه» را معرفی می نماید. به نظر می رسد این رویکردها بر اساس توجه به سه نوع «الگوی طراحی برنامه درسی» تنظیم شده است. بنابر این، انتخاب رویکردهای تدریس تحت تاثیر انعطاف پذیری در طراحی برنامه درسی خواهد بود. این کتاب در ادامه فصل ها، پنج مولفه اصلی تدریس شامل: روش، شناخت فراگیران، دانش مربوط به محتوا، هدف ها و ارتباط بین معلم و فراگیر را در سه نوع رویکرد مورد مقایسه و بحث قرار می دهد که در ادامه مطالب آنها بعدا ارائه خواهد شد امیدوارم با مطالعه این متن به سوالاتی که در پایان مطرح شده اند پاسخ مناسب ارائه نمایید. لطفا این پاسخ ها را به عنوان تکلیف و فعالیت کلاسی تهیه و برای ارائه آماده نمایید. مدرس داداش زاده

سه معلم:

جیم بارنز، معلم کلاس های اول تا سوم ابتدایی

معلمی قاطع و مسلط و در عین حال مهربان و با وقار است. او معتقد است بایستی مجموعه ای از مهارت های اساسی که در تمام مراحل زندگی برای فراگیران مفید است، عرضه شوند. از سوی دیگر، دانش مربوط به درس خاصی در اختیار آنها قرار بگیرد. با این دانش و مهارت ها، فراگیران می توانند در یک جامعه دموکراتیک مشارکت موثر داشته باشند.

ویژگی های مواد آموزشی در کلاس جیم بارنز:

معلم در مدیریت و اجرا مهارت دارد. او با شور و شوق و علاقه مندی دانش آموزان را رهبری و هدایت می کند. موضوع و مواد آموزشی اثربخش و مورد علاقه فراگیران می باشد. توانایی انجام کار توسط فراگیران احساس می شود. مطالب درسی با توانایی فراگیران تناسب دارد، طوری که آنها این حس را پیدا می کنند که فعالیت های کلاسی قابل انجام دادن است. مواد آموزشی سازمان یافته و نظام مند هستند. مواد آموزشی دارای توالی منطقی بوده و تدریس گام به گام می باشد. طوریکه انجام برخی فعالیت ها لازمه انجام فعالیت های بعدی است. به منظور بررسی عملکرد هر دانش آموز و تعیین نیازهای آنها، ارزشیابی غیر تهدید آمیز و متعدد صورت می گیرد. قضاوت و ارزشیابی او منصفانه است.

نانبسی کونگ، معلم زبان انگلیسی

مهمترین نکته ای که به وسیله تعلیم و تربیت می توان به نوجوانان ارائه کرد، دیدگاه هایی در مورد خود آن ها است، نگرش هایی در باره این که آن ها چه کسی و چه چیزی هستند و احتمالا در آینده چه کسی و چه چیزی خواهند شد. برنامه درسی متغیر و انعطاف پذیر است. آنچه تدریس می شود گویی برای شخص آنان نگاشته شده و به تجارب زندگی آنها ارتباط دارد. نوشتن یادداشت های روزانه (journal writing)، جلوه گاه حقیقی احساسات و وسیله ابراز دیدگاه های شخصی است. این یادداشت ها به دانش آموزان کمک می کند تا رشد و پیشرفت کنند. علاوه بر آن، محملی است که توانایی دانش آموزان را برای برقراری ارتباط با دیگران و نگارش موثر ترغیب می کند. کتاب ها به وسیله دانش آموزان انتخاب می شوند، چرا که این کتاب ها پیرامون موضوعاتی است که آن ها می خواهند در مورد آن مطالعه کنند. هر یک از کتاب های موجود در کتابخانه مدرسه، سوژه های مناسبی است. بحث های کلاسی مبین گفتگوهای واقعی است. مشارکت در تجارب یادگیری برای تمامی دانش آموزان مساوی است.

بیش از آن که نانسی کلاس را به جلو هدایت کند، جریان های موجود در کلاس، نانسی را تحت تاثیر قرار می دهد. نانسی دیدگاه و ارزش های خود را با دانش آموزان در میان می گذارد. دانش آموزان نانسی را فردی دوست داشتنی، فهیم و مشوق می دانند. به نظر دانش آموزان او به آن ها و موضوع درس اهمیت می دهد. کوچکترین تردیدی به عشق نانسی به ادبیات و شعر وجود ندارد. این عشق در چشمان او برق می زند. دانش آموزان مطمئن هستند که معلم به تمامی آن ها توجه و علاقه یکسانی دارد و این توجه برابر در تعاملات صادقانه او با فرد فرد دانش آموزان آشکار می شود. نانسی از روابط حمایتی خود با فراگیران جوان احساس خوبی دارد.

روبرتو آمبراس Roberto Umbras درس تاریخ و مطالعات اجتماعی تدریس می کند.

به اعتقاد او، تعلیم و تربیت باید سرآغاز حرکت به سوی شیوه هایی باشد که افراد، آن ها را برای درکی در مورد جهان پیرامون شان خلق می کنند. تاریخ، ریاضیات، علوم، ادبیات، موسیقی، علوم اجتماعی و سایر علوم شیوه هایی برای فهم محیط اجتماعی هستند و مهارت ها و فنون تاریخ شناسی به ما کمک می کنند تا از گذشته جمعی خود پرده برداریم و از آن درکی داشته باشیم. او معتقد است بهترین شیوه برای آموختن تاریخ یادگیری آن در مقام یک تاریخ دان است. رویکردیکه روبرتو به تمام کلاس هایش دارد متأثر از همین دیدگاه است. تنش های قومی و نژادی در مدرسه آمبراس زیاد است. روبرتو تفاوت های فرهنگی را درک می کند، به آنها توجه دارد و می کوشد تا به دانش آموزان کمک کند تا آنان نیز بدین سان با این مساله برخورد کنند. او با دانش آموزان به عنوان انسان های دارای قدرت تفکر رفتار می کند؛ افرادی که می توانند ایده ها و عقاید معتبری داشته باشند.

در کلاس روبرتو دانش آموزان می آموزند که ایده ها و عقاید باید با واقعیت ها پشتیبانی و تایید شود.

در کلاس روبرتو دانش آموزان می آموزند که مورخان صرفاً نباید داستان جذاب بگویند؛ بلکه باید شواهدی را برای تایید ادعاها و تفسیرهای خود ارائه نمایند.

در کلاس روبرتو دانش آموزان می آموزند که تنها یک تاریخ حقیقی وجود ندارد، بلکه تاریخ هایی وجود دارد که از دیدگاه های قومی، فرهنگی و ملی مختلفی به نگارش درآمده است. در مورد یک رویداد تاریخی واحد تفسیرهای گوناگونی وجود دارد.

در کلاس روبرتو دانش آموزان می آموزند که تاریخ را انسان ها به رشته تحریر در آورده اند که می کوشند درک و حسی در مورد گذشته پدید آورند و در این فرایند هیچ فردی را نمی توان یافت که از نوعی سوگیری رها باشد.

در کلاس روبرتو دانش آموزان می آموزند که مانند یک تاریخ دان عمل کنند. آن ها مطالب دست اول و منابع دست دوم مربوط به یک رویداد یا دوره زمانی را جمع آوری می کنند. سپس، حدس ها و فرضیه هایی مطرح می شود و برای فهم این که آیا برای حمایت از تفسیرهای اولیه اطلاعات کافی یافت می شود، مطالب مورد کنکاش قرار می گیرد.

در کلاس روبرتو دانش آموزان می آموزند که برای مطالعه خاطرات، نامه ها، روایت های دست اول و گزارش های رسمی ارزش قائل شوند. این امر تاریخ را برای بسیاری از دانش آموزان زنده و با روح می سازد.

در کلاس روبرتو دانش آموزان احساس می کنند که گذشته را درک کرده و ارزش مند می دانند، به تفاوت های موجود در تفسیرها و دیدگاه های فرهنگی ارزش قائل اند و شیوه تفکر و روش حمایت از ادعاهای انجام گرفته در مورد رویدادهای انسانی را ارزشمند می دانند.

منبع: فنستر میچر، گ. و سولتیس، ج. (۱۳۹۰): رویکردهای تدریس. ترجمه دکتر احمد رضا نصر. تهران: مهر ویستا.

با مطالعه ای که در متن بالا صورت گرفت به سوالات زیر پاسخ دهید:

شما رویکردهای این معلمان را چگونه توصیف می کنید؟

آیا رویکرد هر کدام از این معلمان قابل استفاده در کلاس دیگر نیز می باشد؟

تلقی معلمان از نقش شان در کلاس درس چیست؟ این تلقی بر روی تدریس او چه تاثیری خواهد گذاشت؟

برای هر کدام از رویکردهای سه معلم نام برده شده، یک عنوان مناسب انتخاب نمایید؟

به نظر شما هر کدام از راهبرد ها با کدام نوع الگوی طراحی برنامه درسی در تناسب بیشتر می باشد (الگوی برنامه درسی موضوع

محور، فرد محور و جامعه محور)؟